یادداشت روز

یک قاب عکس از رودریگز

سید محمدعماد اعرابی

بگذارید صادقانه اعتراف کنیم؛ بالاخره یک کشور توانست مسائلش را با آمریکا حل کند؛ تحریم‌ها را بردارد و با مقامات کاخ سفید به توافق برسد.

بیایید از ژانویه ۲۰۲۵ (زمستان ۱۴۰۳) شروع کنیم؛ زمانی که «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا به این فکر افتاد که می‌شود با دونالد ترامپ معامله کرد. ایده‌ای شبیه به غرب‌زدگان ایرانی که همان زمان در ایران، ترامپ را تاجری معرفی می‌کردند که می‌توان با او به توافق رسیده و اقتصاد کشور را شکوفا کرد!

تنها چند روز پس از بازگشت ترامپ به کاخ سفید، در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۵ مادورو میزبان «ریچارد گرنل» در کاراکاس بود. گرنل به‌عنوان فرستاده ویژه ترامپ به ونزوئلا رفته و قرار بود درباره آزادی ۶ زندانی آمریکایی در ونزوئلا گفت‌وگو کند. البته گفت‌وگوها فقط به آزادی زندانیان آمریکایی محدود نماند و درباره مسائل دیگری، از جمله تحریم‌های آمریکا علیه ونزوئلا نیز مذاکره شد. نیکلاس مادورو پس از دیدار با فرستاده ویژه ترامپ گفت: «در مواردی به توافق‌های اولیه رسیده‌ایم و وقتی به آنها عمل شود، مسائل جدیدی مطرح خواهد شد، امیدواریم توافق‌های جدیدی به نفع دو کشور و منطقه حاصل شود.» او خطاب به دونالد ترامپ ادامه داد: «رئیس‌جمهور دونالد ترامپ! ما اولین قدم را برداشته‌ایم، امیدواریم که بتواند ادامه یابد. ما دوست داریم که این روند ادامه یابد.»

۶ زندانی آمریکایی در همان سفر آزاد شدند و با ریچارد گرنل به آمریکا بازگشتند، اما علی‌رغم این اقدام، سخنگوی کاخ سفید تأکید کرد سفر گرنل و آزادی زندانیان «به این معنی نیست که آمریکا، مادورو را به‌عنوان رهبر مشروع ونزوئلا به رسمیت می‌شناسد.» با وجود حسن‌نیتی که رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا نشان داد، آمریکا حتی از اعطای مجوز وعده داده‌شده‌اش به شرکت نفتی شورون برای فعالیت در ونزوئلا سر باز زد.

حدود هفت ماه بعد، در ۶ سپتامبر ۲۰۲۵ مادورو نامه‌ای برای ترامپ فرستاد. این نامه چهار روز پس از اولین حمله آمریکا به یک قایق ونزوئلایی به بهانه مبارزه با مواد مخدر نوشته شده بود. رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا در نامه دوستانه و تا حدودی ملتمسانه خود خواستار مذاکرات مستقیم با آمریکا شد. او با رد ادعاهای آمریکا مبنی بر نقش ونزوئلا در قاچاق مواد مخدر خطاب به ترامپ نوشت: «رئیس‌جمهور، امیدوارم که با هم بتوانیم دروغ‌هایی را که روابط ما را لکه‌دار کرده‌اند - [روابطی] که باید تاریخی و صلح‌آمیز باشد - شکست دهیم. «این مسائل و سایر مسائل همیشه برای گفت‌وگوی مستقیم و صریح» با فرستاده ویژه شما (ریچارد گرنل) برای غلبه بر سر و صدای رسانه‌ها و اخبار جعلی باز خواهد بود.» مادورو در نامه خود علی‌رغم تجربه ناخوشایند قبلی، کانال «گرنل» را «بی‌نقص» خواند.

به موازات افزایش تهدیدها و فشارهای آمریکا علیه ونزوئلا، مادورو همچنان به دنبال مذاکره و معامله با ترامپ بود. ۲۱ نوامبر ۲۰۲۵ او توانست یک گفت‌وگوی تلفنی مستقیم با ترامپ داشته باشد؛ گفت‌وگویی که بیشتر از ۱۵ دقیقه طول نکشید. آن‌طور که رسانه‌های آمریکایی همان زمان فاش کردند، مادورو در این گفت‌وگوی تلفنی پیشنهادهای خیره‌کننده‌ای به ترامپ داده بود. او گفت "حاضر است قدرت را کنار گذاشته و ونزوئلا را ترک کند» به شرطی که از عفو کامل برخوردار باشد و تحریم‌های آمریکا علیه خودش، خانواده‌اش و بیش از ۱۰۰ مقام ونزوئلایی برداشته شود. مادورو همچنین پیشنهاد داد تا زمان برگزاری انتخابات، معاون اجرایی‌اش یعنی «دلسی رودریگز» دولت انتقالی را اداره کند.

درس اول اینجا بود؛ اگر مقاومت را کنار بگذارید، مطمئن باشید آمریکا دیگر به تسلیم شما هم راضی نمی‌شود. این همان کاری بود که ساکنان کاخ سفید با رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا کردند. آمریکا همه پیشنهادهای مادورو را که به یک تسلیم‌نامه شباهت داشت رد کرد؛ دیگر به تماس‌های تلفنی کاراکاس پاسخ نداد، حریم هوایی ونزوئلا را بسته اعلام کرد و کمتر از ۶ هفته بعد، در ساعت ۲ بامداد ۳ ژانویه ۲۰۲۶، با یورش به محل اقامت نیکلاس مادورو، او و همسرش را ربود و به آمریکا منتقل کرد.

درس دوم را باید از سرنوشت «دلسی رودریگز»، معاون اجرایی مادورو، یاد گرفت. در پاییز ۲۰۲۵، یعنی درست همان زمانی که مادورو به دنبال کانالی برای معامله با ترامپ می‌گشت، «دلسی رودریگز» و برادرش «خورخه» (رئیس مجلس ونزوئلا) بی‌سروصدا در ارتباط با مقامات آمریکایی بودند تا به آنها ثابت کنند می‌توانند در غیاب مادورو، ونزوئلا را اداره کنند. روزنامه «میامی هرالد» ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵ گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد دلسی و خورخه رودریگز از طریق واسطه‌های قطری دست‌کم دو پیشنهاد را در آوریل و سپتامبر ۲۰۲۵ به مقامات آمریکایی ارائه کرده‌اند. محور اصلی هر دو پیشنهاد، ادامه حکومت بدون حضور مادورو و گذار مسالمت‌آمیز و حفظ ثبات سیاسی در ونزوئلا با نقش‌آفرینی «دلسی رودریگز» بود. «میامی هرالد» در گزارش خود مدعی شد این پیشنهادها با تأیید مادورو ارائه شده است. مقامات کاخ سفید هر دو پیشنهاد را رد کردند، اما طی مبادله پیام‌ها متوجه شدند دلسی رودریگز یک چهره متعصب و سرسخت نسبت به انقلاب بولیواری نیست. حدس آنها تقریباً درست بود؛ دو ماه بعد و پس از تماس تلفنی مادورو و ترامپ، دلسی و خورخه رودریگز این بار مخفیانه و بدون هماهنگی با مادورو، از طریق واسطه‌های قطری به فکر اثبات خود به مقامات آمریکایی افتادند. به گزارش گاردین در دسامبر ۲۰۲۵، اندکی پیش از ربایش مادورو، دلسی رودریگز از طریق واسطه‌ها به مقامات آمریکایی گفت: «مادورو باید برود و با هر چیزی که بعد از آن پیش بیاید، همکاری می‌کنم.» اگرچه هرگز حاضر نشد در سرنگونی مادورو نقشی ایفا کند.

البته مقامات آمریکایی فقط بر اساس این سخنان و وعده‌های رودریگز به او اعتماد نکردند. شاید لازم باشد به سال ۲۰۱۶ برگردیم؛ زمانی که در ۲۲ دسامبر ۲۰۱۶ شرکت نفتی «سیتگو» (CITGO) به‌عنوان زیرمجموعه شرکت دولتی نفت ونزوئلا (PDVSA) ۵۰۰ هزار دلار به کمیته مراسم تحلیف دونالد ترامپ در دولت اول او کمک مالی کرد. بعدها منابع خبری فاش کردند این کمک مالی با هدایت «دلسی رودریگز» که آن زمان وزیر خارجه ونزوئلا بود، انجام شده است. رودریگز می‌خواست از رهگذر این اقدام، توجه کاخ سفید را برای برقراری رابطه و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ونزوئلا جلب کند. سال ۲۰۱۷ او سعی کرد از طریق برخی مشاوران سیتگو که سابقه حضور در ستاد تبلیغاتی ترامپ را داشتند، با نمایندگان جمهوری‌خواه کنگره و شرکت نفتی «اکسون موبیل» آمریکا ارتباط برقرار کند. سال ۲۰۱۸ رودریگز که به معاون اجرایی رئیس‌جمهور ارتقا یافته و کنترل بخش بزرگی از اقتصاد نفتی ونزوئلا را در دست گرفته بود، هم‌زمان برای بهبود روابط با دولت اول ترامپ، سفر مخفیانه «پیت سشنز» نماینده جمهوری‌خواه ایالت تگزاس به ونزوئلا و دیدار او با نیکلاس مادورو را سازماندهی کرد. با این حساب، «دلسی رودریگز» چهره‌ای ناشناخته برای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا نبود. بی‌جهت نبود که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در ارزیابی محرمانه خود به ترامپ اعلام کرد «در صورت از دست رفتن قدرت توسط رهبر ونزوئلا، وفاداران ارشد مادورو، از جمله دلسی رودریگز، معاون رئیس‌جمهور، در بهترین موقعیت برای حفظ ثبات این کشور هستند.» همین ارزیابی بود که ترامپ را برای ربایش مادورو و سرنگون کردن فقط رأس هرم قدرت در ونزوئلا مصمم کرد و البته پیش از هر چیز به رودریگز فهماند که در صورت سرپیچی، به سرنوشت رئیس سابقش دچار می‌شود.

«دلسی رودریگز» یکی از چهره‌های سرشناس جریان چاوزیسم (Chavismo)، کسی که در فهرست تحریم‌های آمریکا و اروپا قرار گرفته بود، فرزند «آنتونیو رودریگز» یکی از قهرمانان انقلاب بولیواری؛ حالا تبدیل به مهره‌ای برای اجرای سیاست‌های آمریکا شده است. آمریکا اما به همین اندازه هم راضی نیست. با روی کار آمدن رودریگز، کاخ سفید به کمترین چیزی که اهمیت داد، حفظ اعتبار و آبروی او نزد افکار عمومی ونزوئلا بود.

آمریکا با رودریگز به توافق رسید، تحریم‌ها علیه او را برداشت و تحریم‌های ونزوئلا را هم کاهش داد، اما پول نفت ونزوئلا روانه خزانه کاخ سفید شد. آمریکا کنترل مستقیم بازاریابی، مدیریت درآمد و نظارت عملیاتی بر نفت ونزوئلا را به دست گرفت. ۲۸ می ۲۰۲۶ مدیر فروش شرکت دولتی نفت ونزوئلا (PDVSA) در اطلاعیه‌ای به مشتریان خود اعلام کرد که از این پس پرداخت‌ها باید به‌طور مستقیم به حساب‌هایی در وزارت خزانه‌داری آمریکا واریز شود.

بقیه در صفحه ۷

آتلانتیک:

جنگ با ایران افول آمریکا را آشکار کرد

مجله «آتلانتیک» نوشت که جنگ ایران نشان داد آمریکا دیگر توان حفظ برتری خود در جهان را ندارد.

مجله آمریکایی آتلانتیک در تحلیلی نوشت که جنگ چند ماه اخیر آمریکا با ایران، ضعف‌های ساختاری قدرت نظامی و سیاسی واشنگتن را آشکار کرده و نشان داده است که دوره برتری بلامنازع آمریکا در جهان که پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، به پایان خود نزدیک شده است.

«فیلیپس پیسون اوبراین»، استاد مطالعات راهبردی دانشگاه سنت‌اندروز در مقاله‌ای با عنوان «عصر آمریکا به پایان رسیده است» نوشت که قدرت نظامی آمریکا طی شش ماه گذشته، با وجود برخورداری از پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی، شبکه گسترده‌ای از پایگاه‌ها و سامانه‌های لجستیکی و ائتلاف‌های متعدد، نتوانسته است ایران را شکست دهد.

به نوشته این تحلیلگر، جنگ با ایران نشان داده است که حتی تسلیحات ارزان‌قیمت و تولید انبوه، در صورت برخورداری از دقت بالا، می‌توانند شبکه نظامی آمریکا را با مشکلات جدی مواجه کنند.

اوبراین می‌نویسد که آمریکا برای دهه‌ها از این تصور برخوردار بوده است که در هر بحران نظامی می‌تواند منابع بیشتری نسبت به هر کشور دیگری در اختیار بگیرد؛ از نیرو و مهمات گرفته تا توان مالی و پشتیبانی دیپلماتیک. به باور او، جنگ ایران این تصور را زیر سؤال برده و میزان فرسایش قدرت آمریکا را آشکار کرده است.

آسیب‌پذیری پایگاه‌های آمریکا در منطقه

بر اساس این مقاله، حملات موشکی و پهپادی ایران در جریان جنگ، شماری از تأسیسات نظامی و دیپلماتیک آمریکا در منطقه را هدف قرار داده است. نویسنده به گزارشی از نیویورک‌تایمز استناد کرده که در هفته‌های نخست جنگ، از اصابت حملات به ۱۷ پایگاه، تأسیسات پدافندی و مراکز دیپلماتیک آمریکا خبر داده بود.

در میان این مراکز، مقر ناوگان پنجم آمریکا در بحرین و پایگاه‌های علی السالم، عریفجان و بوریگ در کویت قرار داشته‌اند.

آتلانتیک می‌نویسد آسیب دیدن این مراکز، آثار عملیاتی فوری برای ارتش آمریکا داشته است. به نوشته مقاله، از دست رفتن پایگاه بحرین که نیروی دریایی آمریکا برای دهه‌ها از آن برای پشتیبانی و تأمین مجدد کشتی‌های خود در منطقه استفاده می‌کرد، موجب شده است زنجیره پشتیبانی عملیات دریایی آمریکا تا جزیره دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند امتداد پیدا کند؛ جزیره‌ای که بیش از ۳۲۰۰ کیلومتر با تنگه هرمز فاصله دارد.

به نوشته این مقاله، اختلال در شبکه تدارکاتی، هزینه عملیات را افزایش داده و فشار بیشتری بر نیروهای آمریکایی وارد کرده است. نویسنده همچنین فاش کرد که برخی پایگاه‌های آسیب‌دیده آمریکا همچنان از چرخه عملیاتی خارج هستند و هزینه بازسازی آنها ممکن است آن‌قدر بالا باشد که دولت آمریکا درباره بازسازی برخی از این مراکز تجدیدنظر کند.

کاهش ذخایر موشکی آمریکا

یکی دیگر از محورهای اصلی مقاله، کاهش ذخایر مهمات آمریکا است.

اوبراین نوشت که جنگ با ایران ذخایر برخی از پیشرفته‌ترین تسلیحات آمریکا را کاهش داده و تا پایان ماه آوریل، برخی مطالعات نسبت به کاهش شدید ذخایر مهمات سامانه‌های تاد، موشک‌های رهگیر پاتریوت و موشک‌های کروز تاماهاوک هشدار داده بودند.

به نوشته آتلانتیک، مشکل آمریکا فقط کاهش ذخایر نیست، بلکه ساختار تولید تسلیحات این کشور نیز برای جنگی طولانی‌مدت با قدرت‌های بزرگ طراحی نشده است. آمریکا طی سال‌های گذشته بر تولید سامانه‌های بسیار پیشرفته اما گران‌قیمت و محدود تمرکز کرده، در حالی که جنگ‌های جدید اهمیت تسلیحات ارزان، دقیق و تولید انبوه، به‌ویژه پهپادها، را افزایش داده است.

این تحلیلگر می‌نویسد آمریکا برای بازسازی ذخایر تسلیحاتی خود به چند سال زمان نیاز خواهد داشت و حتی سطح ذخایری که پیش از آغاز جنگ وجود داشت نیز برای حفظ نقش جهانی واشنگتن کافی نبوده است.

چین از خلأ قدرت آمریکا بهره می‌برد

آتلانتیک همچنین کاهش ظرفیت صنعتی آمریکا را یکی از عوامل تضعیف قدرت این کشور دانسته است. در این مقاله آمده است که آمریکا در دوران جنگ جهانی دوم توانست بخش بزرگی از ظرفیت صنعتی غیرنظامی خود را برای تولید تجهیزات نظامی بسیج کند، اما امروز چنین ظرفیتی در اختیار واشنگتن نیست.

بر اساس این مقاله، چین حدود نیمی از کشتی‌های جهان را تولید می‌کند و بخش بزرگی از تولید پهپادهای جهان نیز در اختیار این کشور است. نویسنده معتقد است ارتش آمریکا که برای پیروزی در درگیری‌های شدید اما کوتاه‌مدت سازماندهی شده است، از نظر تجهیزات، ذخایر مهمات و نیروهای آماده، برای یک جنگ طولانی با چین آمادگی کافی ندارد.

نویسنده در همین چارچوب به انتقال ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» از منطقه اقیانوس آرام به دریای عرب اشاره کرده و نوشته است که این اقدام نشان می‌دهد واشنگتن برای حفظ توان نظامی خود در جنگ با ایران ناچار شده است بخشی از منابع نظامی مورد نیاز برای بازدارندگی چین را از شرق آسیا خارج کند.

تضعیف ائتلاف‌های سنتی آمریکا

در بخش دیگری از مقاله، سیاست دولت دونالد ترامپ در قبال متحدان سنتی آمریکا مورد انتقاد قرار گرفته است.

اوبراین معتقد است آمریکا در گذشته از شبکه‌ای از متحدان برای افزایش قدرت خود استفاده می‌کرد؛ کشورهایی که پایگاه در اختیار واشنگتن قرار می‌دادند، اطلاعات به اشتراک می‌گذاشتند و در عملیات نظامی مشارکت می‌کردند. اما به نوشته او، دولت ترامپ اکنون بسیاری از این متحدان را به‌عنوان کشورهایی می‌بیند که از آمریکا بیش از اندازه بهره می‌برند.

این مقاله به روابط واشنگتن با کره جنوبی، اروپا و کانادا اشاره کرده و نوشت که کاهش تعهدات امنیتی آمریکا موجب شده است برخی متحدان سنتی واشنگتن به دنبال افزایش توان دفاعی مستقل خود باشند.

به نوشته آتلانتیک، کاهش حضور نظامی آمریکا باعث شده است کشورهای اروپایی درباره افزایش مسئولیت خود در تأمین امنیت این قاره بحث کنند. مقاله همچنین به احتمال افزایش همکاری‌های دفاعی میان کشورهای اروپایی و تقویت توان بازدارندگی مستقل آنها اشاره کرده است.

تغییر رفتار کشورهای منطقه

این تحلیلگر همچنین معتقد است تغییر موازنه قدرت، کشورهای مختلف را به بازنگری در روابط امنیتی خود با آمریکا سوق داده است.

آتلانتیک به توافق دفاعی اخیر میان پاکستان، ترکیه و عربستان سعودی اشاره کرده و آن را نشانه‌ای از تلاش برخی شرکای سنتی آمریکا برای ایجاد ترتیبات امنیتی مستقل‌تر دانسته است.

در منطقه خلیج‌فارس نیز، به نوشته این مقاله، عمان در حال نزدیک‌تر کردن روابط خود با ایران است و دیگر کشورهای عربی خلیج‌فارس نیز در حال بررسی روابط خود با تهران هستند.

نویسنده همچنین معتقد است عربستان سعودی، که برای دهه‌ها امنیت خود را تا حد زیادی بر خرید گسترده تسلیحات آمریکایی و حضور نیروهای آمریکا بنا کرده بود، اکنون ناچار است در محاسبات امنیتی خود تجدیدنظر کند.

«عصر آمریکا» و آینده نظم جهانی

آتلانتیک در پایان مقاله تأکید می‌کند که کاهش قدرت آمریکا الزاماً به معنای جایگزین شدن فوری چین به‌عنوان قدرت مسلط جهان نیست. به نوشته اوبراین، چین نیز با مشکلات داخلی خود مواجه است و کشورهایی مانند هند در حال افزایش قدرت و نقش خود هستند.

این مقاله احتمال شکل‌گیری جهانی چندقطبی‌تر و رقابتی‌تر را مطرح کرده است؛ جهانی که در آن کشورهای مختلف مسئولیت بیشتری برای دفاع از خود برعهده می‌گیرند و وابستگی آنها به آمریکا کاهش می‌یابد.

اوبراین با اشاره به تجربه تاریخی قدرت‌های بزرگ نوشته است که هیچ قدرت مسلطی برای همیشه در رأس نظام بین‌الملل باقی نمانده است. از نگاه او، رشد اقتصادی شرق آسیا، گسترش توان تولید انبوه تسلیحات ارزان و دقیق و کاهش اعتماد برخی کشورها به تعهدات امنیتی آمریکا، همگی عواملی هستند که در حال تغییر موازنه جهانی قدرت هستند.

به گزارش تسنیم، نویسنده در نهایت نتیجه گرفته است که جنگ ایران، روندی را که پیش‌تر آغاز شده بود آشکارتر کرده است.

گفت و شنود

هیچی دیگه!

گفت: معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده گفته است: «حجاب یک موضوع فرهنگی است و موضوع فرهنگی را نمی‌توان با ضربه باتوم اصلاح کرد»!

گفتم: ولی این مسئله فرهنگی اولاً؛ یک واجب اسلامی است. ثانیاً؛ یک قانون لازم‌الاجراست. ثالثاً؛ کشف حجاب زمینه‌ساز بی‌عفتی و برهم‌زننده سلامت خانواده و ده‌ها پلشتی و پلیدی دیگر نیز هست. رابعاً؛ چه کسی سخن از «ضربه باتوم» به میان آورده است که ایشان به آن استناد می‌کند؟!

گفت: خانم معاون می‌گوید: «تمام تلاش و دغدغه ما باید این باشد که دو گروهی که حجاب دارند یا ندارند، همچنان خواهر و برادر یکدیگر باقی بمانند»!

گفتم: اتفاقاً مخالفان کشف حجاب، زنان کشف حجاب‌کرده را خواهران و فرزندان خود می‌دانند و به همین علت خواستار نجات آنها از این پدیده زشت و عفت‌سوز هستند.

گفت: اصلاً باید از مسئولانی که در مقابل بی‌حجابی دست روی دست گذاشته و کاری نمی‌کنند، پرسید؛ اگر مسلمان هستید - که هستید- و اگر قانون‌گرا هستید -که باید باشید- چرا برای مقابله با این پدیده پلشت که هم حرام شرعی است و هم ممنوع‌شده قانونی است کاری نمی‌کنید؟! و اگر خودتان هم موافق کشف حجاب هستید(!) چرا پست‌های مسئولیتی نظام اسلامی را اشغال کرده‌اید؟!

گفتم: یکی از مسافران قطار، «پتروس فداکار» را با «دهقان فداکار» اشتباه می‌گیره، انگشتشو می‌کنه توی چشم راننده قطار! و هیچی دیگه، قطار از ریل خارج میشه و...!

حسین کنعانی‌مقدم کارشناس مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگو با کیهان:

توهمات ترامپ با توافقات ایران، چین و روسیه فرو ریخت

سرویس سیاسی-

کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به ناکامی یکجانبه‌گرایی آمریکا در شورای امنیت و نقش روسیه و چین در جلوگیری از هژمونی واشنگتن، این اقدام را آغاز فصل جدیدی در حمایت از جمهوری اسلامی ایران و مقابله با جنگ‌افروزی آمریکا دانست.

حسین کنعانی‌مقدم کارشناس مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگو با کیهان با اشاره به ناکامی آمریکا در همراه کردن شورای امنیت با یکجانبه‌گرایی خود اظهار داشت: تلاش آمریکا برای همراه کردن شورای امنیت با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه خود به نتیجه نرسید و روسیه و چین در چارچوب سیاست‌های کلی خود مبنی بر جلوگیری از هرگونه هژمونی آمریکا و سوءاستفاده از شورای امنیت، با رأی منفی‌شان موضع قاطع خود را اعلام کردند. وی با تشریح سیاست‌های کلان چین و روسیه در برابر سیاست‌های آمریکا افزود: در حمایت از جمهوری اسلامی ایران و مقابله با جنگ‌افروزی و جنگ‌طلبی آمریکا، باید شاهد فصل جدیدی در استفاده از شورای امنیت سازمان ملل و قطعنامه‌های آن باشیم. اعمال سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا در چارچوب توافقات ایران با چین و روسیه و دیگر کشورها در سازمان همکاری شانگهای، بریکس و نیز توافق‌نامه‌ها و قراردادهای ۲۰ و ۲۵ ساله میان ایران و روسیه و چین، به توهمات ترامپ پایان داد؛ توهماتی که ترامپ مبتنی بر آن تصور می‌کرد می‌تواند به همه جهان زور بگوید و سیاست‌های خود را اعمال کند.

درک راهبردی چین و روسیه از قدرت ژئوپلیتیک ایران

کنعانی مقدم در واکنش به ادعاهای برخی سیاسیون غربگرای داخلی که چین و روسیه را از وضعیت تنگه هرمز و رفتار ایران ناراضی معرفی می‌کردند، گفت: برخی سیاسیون داخلی به دلیل عدم شناخت از معادلات استراتژیک و قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، هر از چند گاهی ناخواسته در جهت منافع آمریکا موضع‌گیری می‌کنند؛ در حالی که چین و روسیه درک درستی از قدرت ژئوپلیتیک و استراتژیک ایران در منطقه هارتلند و جایگاه انرژی ایران در باب‌المندب و تنگه هرمز دارند.

وی خاطرنشان کرد: چین و روسیه می‌دانند یک ایران قوی و قدرتمند هم می‌تواند امنیت منطقه را تأمین کند و هم منافع آنان را در تجارت و سیاست‌های صلح‌طلبانه‌شان تضمین کند. پروژه توسعه شرق به غرب چین، یعنی همان یک جاده یک کمربند، پروژه‌ای است که ایران در آن نقش اساسی دارد و نبود ایران به معنای پایان و شکست این پروژه است. چین نمی‌خواهد هژمونی اقتصادی خود به سمت غرب را از دست بدهد.

کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: روسیه نیز همین درک را دارد که خاورمیانه بدون ایران قدرتمند، حیات خلوت آمریکا خواهد بود و روسیه خواهان توسعه ناتو و قدرت آمریکا در منطقه نیست. بنابراین درک آنان درست است. اما کسانی که با طرح چنین ادعاهایی به نفع آمریکا عمل می‌کنند، یا در پی آن هستند که روابط ایران و چین و همچنین ایران و روسیه را در حد روابط یک کشور حاشیه جنوب خلیج فارس با آمریکا تعریف کنند، دچار اشتباه راهبردی عمیق هستند.

دو لبه قیچی بحران انرژی و برتری انصارالله

کنعانی مقدم درباره پیروزی‌های خارق‌العاده انصارالله و سکوت و انفعال آمریکا در برابر این پیروزی‌ها گفت: سال‌هاست در جبهه مقاومت مسئله وحدت ساحات را مطرح کرده‌ایم و تجربه خوبی نیز داشته‌ایم. تنگه باب‌المندب و تنگه هرمز دو لبه قیچی بحران انرژی برای غرب و آمریکا هستند و محور این قیچی مقاومت است. ظهور و بروز این وضعیت بزرگ‌ترین ضربه را به آمریکایی‌ها در منطقه وارد کرده است. وی افزود: آمریکایی‌هایی از کشورهای خلیج‌فارس و منطقه بهره‌کشی می‌کردند، چندین تریلیون دلار پول گرفتند، سلاح دادند و پایگاه گرفتند، به این بهانه که امنیت آنان را تأمین می‌کنند. اما اکنون دریافته‌اند که امنیت خریدنی نیست و این منطقه و قدرت‌های منطقه هستند که می‌توانند امنیت پایدار را تأمین کنند.

کنعانی مقدم خاطرنشان کرد: انصارالله اکنون در موقعیت برتری قرار دارد و می‌توان گفت فشار خود را بر آمریکا و سعودی‌ها افزایش داده و آنان در آستانه خفگی هستند؛ زیرا صادرات نفت عربستان به صفر رسیده، ذخایر استراتژیک آمریکا تمام شده و تنگه هرمز نیز بسته است. بنابراین یا باید بپذیرند سعودی‌ها از یمن خارج شوند و آمریکایی‌ها از منطقه خارج شوند، یا جنگ را بپذیرند. کارشناس مسائل بین‌الملل در پایان تأکید کرد: تاکنون نشان داده شده که برتری نظامی در جبهه و میدان با انصارالله و جمهوری اسلامی ایران است؛ یعنی آمریکایی‌ها هیچ امتیاز نظامی به دست نیاورده‌اند. در عین حال، انصارالله سه لشکر را به غنیمت گرفت و نیروهای آنان را اسیر کرد که یادآور فتح خرمشهر و عملیات بیت‌المقدس در دوران دفاع مقدس است. به نظر من تاریخ در حال تکرار است و آنان چاره‌ای جز تسلیم در برابر ملت یمن ندارند.

شکست طرح ضدایرانی آمریکا در شورای امنیت با وتوی روسیه و چین

طرح خصمانه دولت تروریست آمریکا علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد ناکام ماند.

تلاش دولت تروریست آمریکا برای تمدید مأموریت تیم موسوم به کارشناسان کمیته تحریم‌ها علیه ایران، با استفاده از حق وتوی روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل ناکام ماند.

قطعنامه پیشنهادی آمریکا که به دنبال تمدید فعالیت گروه موسوم به کارشناسان کمیته تحریم‌های ایران بود، با وتوی رسمی مسکو و پکن از دستور کار خارج شد.

نماینده چین با اشاره به انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، تصریح کرد که شورای امنیت بررسی پرونده هسته‌ای ایران را به پایان رسانده است.

پکن با ابراز مخالفت صریح با رویکرد آمریکا، تأکید کرد که شورای امنیت نباید به سکویی برای پیشبرد اهداف یکجانبه‌گرایانه تبدیل شود.

چین از تمامی طرف‌ها خواست به جای اقدامات تنش‌زا، برای حفظ اعتبار چندجانبه‌گرایی و ایجاد شرایط برای حل سیاسی پرونده هسته‌ای ایران، نقشی سازنده ایفا کنند.

نماینده روسیه در شورای امنیت با بیان اینکه تحریم‌های «اسنپ‌بک» علیه ایران هیچ وجاهت قانونی ندارد گفت: قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و از دستور کار خارج شده است؛ بنابراین برگزاری نشست امروز بر سر این موضوع، کاملاً فاقد وجاهت قانونی و رویه‌ای است. تلاش برخی اعضا برای ایجاد توهم «مشروعیت» از طریق ادعاهای مربوط به سازوکار «اسنپ‌بک» (بازگشت خودکار تحریم‌ها) را به طور قاطع رد می‌کنیم.

روسیه به دلیل نامشروع دانستن کمیته ۱۷۳۷، به تمدید مأموریت کارشناسان آن رأی منفی داد و تأکید کرد که هیچ سازوکار «اسنپ‌بک» یا احیای قطعنامه‌های قدیمی (۱۷۳۷ و ۱۹۲۹) علیه ایران صورت نگرفته است.

قطعنامه ۲۲۳۱ در اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و این یک واقعیت حقوقی تغییرناپذیر است که هیچ اقدام یکجانبه یا جانبداری‌های دبیرخانه سازمان ملل نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

مسکو پیش از رأی‌گیری به نویسندگان این پیش‌نویس هشدار داده بود که چنین اصراری تنها منجر به افزایش تنش‌های سیاسی و رویه‌ای در شورای امنیت می‌شود، اما واشنگتن مسیر تقابل را انتخاب کرد.

به گزارش تسنیم، این اقدامات آمریکا نه ناشی از نگرانی برای رژیم منع اشاعه هسته‌ای، بلکه در راستای «منطق کلی گام‌های تنش‌زای» کشورهای غربی در پرونده هسته‌ای ایران است.

خبر ویژه

بازی تکراری حجاب در پازل اسرائیلی

ناکامی در جبهه نظامی بار دیگر زمینه توطئه علیه مقدسات را فعال کرد؛ این بار البته هیچ یک از ملت مبعوث شده در هیچ پلاکاردی خواستار مقابله با بدحجابی و عریان‌نمایی نشده است؛ اما، شاید زامبی‌های توئیتری پروژه بگیر، افاضات معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهور را نادیده بگیرند و ملت مبعوث شده را عامل تفرقه و اقدامات ضد انسجام ملی معرفی کنند! درست زمانی که نسبت به سال‌های گذشته وضعیت عریان‌نمایی برخی بانوان در خیابان‌های تهران حتی موجب انزجار افراد غیرمذهبی شده است و درست در سالگرد ایام شروع پروژه صهیونیستی «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهور عنوان می‌کند که «حجاب یک موضوع فرهنگی است و موضوع فرهنگی را نمی‌توان با ضربه باتوم اصلاح کرد». آری، حجاب یک موضوع فرهنگی است پس چرا در دو سال گذشته هیچ اقدام فرهنگی برای بهبود وضعیت حجاب توسط دولت انجام نشده است؟ آیا معاون زنان رئیس‌جمهور و دیگر وزرا و مدیران حوزه فرهنگی در دولت چهاردهم خود را ملزم به تلاش و اقدامات مؤثر برای بهبود وضعیت حجاب نمی‌دانند؟ چرا در دولت چهاردهم از وضعیت بد حجابی بانوان به عریان‌نمایی رسیده‌ایم؟

شکی نیست که دشمن آمریکایی- صهیونیستی از مقابله نظامی ناکام مانده است و درصدد ایجاد تنش اقتصادی و اجتماعی در داخل ایران است. پس چرا به جای اقدامات مؤثر مدیران فرهنگی دولت در زمینه حجاب اظهاراتی می‌شنویم که نه تنها مطالبه‌گری از آنها را افزایش می‌دهد؛ بلکه موجب تکدرخاطر مردمی است که بیش از ۲۰۰ شب برای دفاع میهنی هر شب در میادین شهرهای سراسر کشور اعلام حضور کرده‌اند. خانم زهرا بهروز آذر در مصاحبه اخیر می‌گوید؛ «تمام تلاش و دغدغه ما باید این باشد که دو گروهی که حجاب دارند یا ندارند، همچنان خواهر و برادر یکدیگر باقی بمانند در تمام این ۲۲ ماه تلاش کردیم اجازه ندهیم موضوع حجاب به عاملی برای ایجاد شکاف و شکل‌گیری دوقطبی در جامعه تبدیل شود. نسبت ما با لایحه حجاب نیز همین بود.» ای کاش تمام تلاش شما در دولت این بود که با اقدامات فرهنگی که مدعی آن هستید وضعیت حجاب را بهبود می‌دادید که نه تنها این کار را نکردید، بلکه امروزه در خیابان‌های تهران با پدیده عریان‌نمایی مواجه هستیم. مواضع مطرح شده در این مصاحبه گویای این مهم است که دولت به رهایی مسئله حجاب افتخار می‌کند و هیچ برنامه مؤثری در این زمینه ندارد.

در این بین عزت‌الله ضرغامی وزیر گردشگری و میراث فرهنگی دوره شهید رئیسی در توئیتی بیان می‌کند «...ولی امروز همه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، تندرو و کندرو، بر اشتباه بودن روش گشت ارشاد اتفاق نظر دارند. ظاهرا همیشه باید مصیبت‌ها و مقاومت‌ها ما را به راه و روش درست هدایت کند!» صرف انتقاد هنر فردی که سال‌ها مسئولیت فرهنگی در کشور داشته اعم از وزارت گردشگری و ریاست بر صدا و سیما نیست؛ بلکه، ارائه راهکار علمی و مؤثر برای بهبود وضعیت عریان‌نمایی و بدحجابی در کشور انتظار ملت مبعوث شده از آقای ضرغامی است. بهتر است این مدیر فرهنگی باسابقه اولاً مواضع خود در زمان مناسب‌تر بیان کند و ثانیاً به صرف انتقاد بسنده نکند، بلکه در مقام وزیر و رئیس سابق صدا و سیما راهکار ارائه دهد.

پشت‌پرده اشتیاق غربگرایان برای بازگشت خبرچین ساواک!

اعلام آمادگی مسعود بهنود، مهره کارکشته ساواک و تهیه‌کننده سابق بی‌بی‌سی فارسی برای بازگشت به کشور، با استقبال و اشتیاق تأمل‌برانگیز جریان مدعی اصلاحات مواجه شده است.

این رسانه‌ها با سانسور گذشته تاریک او، درصدد سفیدشویی کارنامه سیاه یکی از شاخص‌ترین عناصر خائن خارج‌نشین برآمده‌اند.

نگاهی به کارنامه بهنود، ابعاد متناقض این فضاسازی را آشکار می‌کند. او پیش از انقلاب، بر اساس اسناد غیرقابل‌انکار، از عوامل تشکیلات «سام» و «خبرچین ساواک» بود که با سردبیری مجله «تهران مصور» و اجرای برنامه‌هایی چون «تیتر اول» در تلویزیون شاهنشاهی، وظیفه تطهیر سازمان جنایتکار ساواک را برعهده داشت؛ ارتباطی نزدیک که حتی در فیلم‌های آرشیوی نشست‌های مطبوعاتی پرویز ثابتی و حضور او در ردیف اول خبرنگاران گزینش‌شده مشهود است.

او پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ظاهرسازی، نگارش فیلمنامه «خانه عنکبوت» و افشاگری علیه سران رژیم گذشته تقلا کرد خود را از محاکمه برهاند. با این حال، در دهه هفتاد و از سال ۱۳۷۶ با حضور در روزنامه «جامعه» و راه‌اندازی نشریات زنجیره‌ای در کنار عناصری چون اکبر گنجی، محسن سازگارا و ابراهیم نبوی، بستر اصلی تشویش اذهان عمومی، افترا به نیروهای مسلح و هجمه به مقدسات را فراهم ساخت.

بهنود در آذرماه ۱۳۷۹ به اتهامات متعددی از جمله تبلیغ علیه نظام، عبور از خطوط قرمز، همکاری با رسانه‌های بیگانه و اتهامات اخلاقی به دادگاه فراخوانده شد و پس از محکومیت، از کشور گریخت. او در لندن به عنوان مواجب‌بگیر بی‌بی‌سی فارسی و راه‌انداز وب‌سایت «روزآنلاین»، نقش کارچاق‌کن رسانه‌های معاند را ایفا کرد و با تطمیع روزنامه‌نگاران جوان و حتی همکاری با عناصری همچون نازنین زاغری، شبکه جذب نیرو برای رسانه‌های ضدایرانی را هدایت نمود.

پهن کردن فرش قرمز برای این پادوی کهنه‌کار دشمن، پیام‌آور پروژه‌ای خطرناک برای سفیدسازی خائنان و اعلام پیوند دوباره جریان تندرو داخلی با شبکه عنکبوتی معاندین است؛ امری که هوشیاری و برخورد قاطع نهادهای قضائی و امنیتی را می‌طلبد.

به جای طلبکاری از مردم جلوی رانت و بی‌تدبیری را بگیرید!

یوسف پزشکیان، فرزند رئیس‌جمهور، در یادداشتی در شبکه اجتماعی نوشته است: "شما که مدعی هستید، پیشتاز بشید، مثل مردم یمن زندگی کنید؛ یارانه نگیرید، از برق سراسری استفاده نکنید، هزینه‌های زندگی را نصف کنید. اگر همین مردم جان‌فدا بتوانند هزینه زندگی خود را نصف کنند، دولت هم زبانش در مقابل دشمنان دراز می‌شود!»

مشخص نیست آقازاده رئیس‌جمهور با کدام صلاحیت و بر اساس چه تجربه‌ای درباره همه‌چیز نظر می‌دهد و برای «ملت جان‌فدا» نسخه ریاضت می‌پیچد؟ آن هم در دولتی که مدام از وفاق دم می‌زند!

این اظهارات طلبکارانه در حالی مطرح می‌شود که «جان‌فدا»ها نماد واقعی جمهوریت، تاب‌آوری و اقتدار ملی در برابر تهدیدات دشمن هستند. مردمی که بیش از ۲۰۰ روز است با ایستادگی بی‌منت و با وجود تورم افسارگسیخته، پای کار کشور و انقلاب مانده‌اند و معنای راهبردی حضورشان، دفاع از تمامیت ایران است.

نکته اساسی اینجاست که این طبقه فداکار، عموماً از قشر ضعیف جامعه هستند؛ صاحبان خانه‌های کوچک، خودروهای کم‌تعداد، مصرف آب و برق و بنزین حداقل و کسانی که تمام سهمشان از سفره انقلاب، یارانه ناچیز نهایتاً ۴۰۰ هزار تومانی است. این مردم از ابتدای جنگ کف خیابان بوده، معیشت سخت را تحمل کرده و برعکس برخی مدیران و مسئولان گلایه و شکایتی نداشته‌اند.

سؤال اصلی از مدعیان این است: چرا زور مسئولان فقط به این قشر می‌رسد؟ چرا یارانه‌های کلان ثروتمندانی که ده‌ها خودرو و ویلاهای پرمصرف دارند و هر هفته در سفرند قطع نمی‌شود؟ چرا درباره سرمایه‌های اصلی کشور که در بانک‌ها و شرکت‌های دولتی حیف‌ومیل می‌شود، حقوق‌های نجومی و پاداش‌های میلیاردی حرفی زده نمی‌شود؟

مشکل اصلی، هزینه‌های پایین مردم «جان‌فدا» نیست، بلکه مدل مدیریتی و بریزوبپاش‌های غیرضروری، حق‌مأموریت‌های لاکچری و سفرهای میلیاردی، بی‌برنامگی و ناکارآمدی است. اگر جلوی این حیف‌ومیل‌ها گرفته شود، نیازی نیست از مردمی که خود بار اقتصاد را بر دوش می‌کشند خواسته شود مانند یمنی‌ها زندگی کنند! ملت مبعوث ایران، الگوی ملت‌ها و آزادگان جهان‌اند. این حجم از طلبکاری از ملّت، عنوانی جز بی‌تدبیری و وقاحت ندارد.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵

ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا و همکارانش در کاخ سفید که به جنگ اقتصادی علیه کشورمان برخاسته‌اند، باید بدانند ملت ایران، با تمام توان در برابر این جنگ اقتصادی ایستاده است و سرانجام، این بار نیز شکست از آنِ کسانی خواهد بود که با تکیه بر پول کثیف خود، به دنبال تخریب ملتی هستند که استقلال و عزت را به هر قیمتی ترجیح می‌دهند.

نوبری

* یک راهکار برای عبور از شرایط سخت اقتصادی، تربیت نظام‌مند متخصصان کشف تقلب است که باید دانش حسابداری، حسابرسی، حقوق، روانشناسی، فناوری اطلاعات و شناخت رفتارهای تقلب‌آمیز را در کنار هم داشته باشند تا با کشف بموقع تقلب‌ها، سلامت اقتصاد را تضمین کنند.

عفیفی

* جان مرشایمر، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل و استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، با اشاره به سیاست جدید دولت ترامپ برای اعمال فشار اقتصادی بر ایران، اظهار داشته آمریکا دیگر کارت نظامی برای بازی ندارد و این ایرانی‌ها هستند که اکنون کارت نظامی را در اختیار دارند. آمریکایی‌ها کی می‌خواهند بدانند وقتی فشار بسیار زیادی بر یک کشور وارد شود و بقای آن در خطر باشد، کشور هدف، واکنش نشان می‌دهد و تسلیم نمی‌شود.

شریفیان

* شبکه کان رژیم صهیونی از وحشت بنیامین نتانیاهو از سقوط در انتخابات پیش‌رو خبر داده است. بر اساس این‌گزارش، نتانیاهو در جلسات خصوصی با نزدیکان خود از ریزش شدید پایگاه رأی حزب لیکود ابراز نگرانی کرده و با اذعان به وضعیت نامطلوب خود در نظرسنجی‌ها گفته ما ۱۰ کرسی را از دست داده‌ایم. پیشتر هم نظرسنجی‌ها نشان داده بود ۶۰ درصد صهیونیست‌ها به نتانیاهو اعتماد ندارند و حزب مخالف یِشار از لیکود پیشی گرفته است.

بایرام‌زاده

* معاون شهرداری تهران مصاحبه کرده و گفته از ابتدای مهرماه به مدت ۷ ماه قیمت گوشت، برنج، مرغ و شکر در میادین تره‌بار تهران ثابت می‌ماند. چنین چیزی اگر درست باشد یعنی در عمل تحقق پیدا کند و شاهدش باشیم از ساخت موشک کمتر نیست و جنگ اقتصادی دشمن را هوا می‌کند.

حسینخانی

* این سخنان به یاد ماندنی شهید آوینی، گویا امروز درباره یمنی‌ها زده شده است. آنجا که می‌گوید چیزی نخواهد گذشت که مستضعفین سراسر عالم در خواهند یافت که قدرت حقیقی تنها در وحدت ایمانی نهفته است و راهی جز جهاد مسلحانه برای دست‌یافتن به عدالت وجود ندارد. آن‌گاه حقیقتی که در نام بسیج مستضعفین نهفته است به تحقق خواهد پیوست و همه مظلومان برای مبارزه با ظلم لباس رزم خواهند پوشید و به صحنه نبرد خواهند آمد.

صدقیان

* هم‌اکنون در حساس‌ترین بازهٔ زمانی جنگ ترکیبی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان قرار داریم. ترامپ با استیصال در جنگ نظامی، نگرانی از شکسته‌شدن محاصرهٔ دریایی و ناامیدی از کارآمدی تحریم‌ها مواجه گردیده و تلاش می‌کند با القای در جریان بودن مذاکره با ایران قیمت نفت را کاهش داده و افکار عمومی و نخبگان آمریکا را برای پیروزی در انتخابات کنگره در ۱۲ آبان مدیریت کند. در چنین شرایطی صحبت کردن از مذاکره توسط مسئولان کشور نوعی پاس گل دادن به دشمن محسوب می‌شود.

مسطور

* از زبان همسر محترم دکتر غلامعلی حدادعادل، تعداد شهدای حمله آمریکا در مورخ ۹ اسفند در بیت رهبری ۷۶ نفر اعلام شده که باید گفت در این زمان و مکان چیزی شبیه واقعه کربلا اتفاق افتاده است.

ملاقدیمی

* درود بر شرف زن و مرد کودک و خردسال و پیر و جوان ایرانی که بیش از ۲۰۰ شب است در سراسر کشور اسلامی ایران، با پرچم‌های ایران و پرچم‌های سرخ خونخواهی رهبر شهید، تنگه احد انقلاب را رها نکرده‌اند.

ابوالحسنی

* یکی از سیاست‌های برنامه هفتم توسعه، افزایش سهم معدن از اقتصاد ملی و جایگزینی معادن به جای نفت و گاز است. با توجه به ارزش بالای ذخایر معدنی کشف‌شده و پتانسیل بالای اکتشافات جدید، بخش معدن می‌تواند نقش مهمی در تنوع‌بخشی به اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ایفا کند.

جویباری

* ارتش رژیم صهیونیستی سرانجام اجازه داد بعد از نزدیک به ۱۴ ماه، تصاویر اصابت دو موشک بالستیک ایرانی به پالایشگاه حیفا در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵، در جریان جنگ ۱۲ روزه، منتشر شود. معلوم می‌شود ضربات ایران به رژیم صهیونیستی هر چه دردناک‌تر باشد، صهیونیست‌ها دیرتر و با گذشت زمان طولانی، اجازه انتشار آن را خواهند داد.

فیضی‌پور

* تسلط مجاهدان انصارالله بر مناطق حساس المخا، ذباب و اشراف بر جزیره میون در دهانه تنگه باب‌المندب، کنترل این آبراه حیاتی جهان رسماً در دستان پولادین مقاومت تثبیت شد. تنگه باب‌المندب که شریان حیاتی انتقال نفت و تجارت شرق و غرب و گلوگاه تنفسی رژیم صهیونیستی در بندر ایلات است، اکنون زیر رصد مستقیم سامانه‌های موشکی و پهپادی مقاومت یمن قرار دارد.

غیاث‌آبادی

* وقتی جهان شاهد سرازیر شدن پیشرفته‌ترین سامانه‌های موشکی و راداری غربی به ریاض بودند، رهبر عزیز و شهیدمان در فروردین ۱۳۹۸ فرمودند: «من از تجهیزات و امکاناتی که غرب در اختیار عربستان قرار می‌دهد، نگران نیستم، چون این‌ها ان‌شاءالله در آینده‌ای نه‌چندان دور به دست مجاهدان اسلام خواهد افتاد.» رزمندگان بزرگوار مقاومت یمن این روزها این پیش‌بینی قائد شهیدمان را اثبات نمودند!

نریمانی

* رزمندگان یمن در این نبرد نابرابر جنگ و محاصره بیش از ۱۱ساله کشورهای غربی، عبری، عربی آیه کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللهِ وَاللهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ چه‌بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند و خدا با شکیبایان است؛ را دوباره تفسیر کردند و قدرت خدا بر قدرت‌های پوشالی را به دنیا نشان دادند.

عالمی

* از ابتدای حذف ارز ترجیحی و پرداخت کالابرگ در دی سال گذشته وزیر اقتصاد ۴ مرتبه، سخنگوی دولت ۴ مرتبه، معاون‌اول ۲ مرتبه، رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر کار هر کدام حداقل یک مرتبه از افزایش رقم کالابرگ سخن گفته‌اند! و ۸ ماه است که مردم را سر کار گذاشته‌اند و هنوز هم خبری از افزایش نیست؟! لطفا زبان برکام گیرید هر وقت افزایش دادید و در حساب‌های مردم نشست بعد زبان باز کنید!

بدری

* آیا اعتراض خانم مرزبان از آزاد نبودن زنان در ایران، دایر بودن کاباره، شنای مختلط در دریا در کشور نیست؟ او مانند شیرین عبادی و نرگس محمدی ماموریت داشته که بگوید جاده بشریت همان جاده‌ای است که غربی‌ها کشیده‌اند و استانداردهای حیات سیاسی - اجتماعی همان استانداردهای غرب است.

آتشکار

* با توجه به تبعات روند مخرب ترویج برهنگی و اباحه‌گری در جامعه و لزوم کنترل آن، که در بیان اقشار مختلف مردم، مسئولان، بسیاری از نمایندگان مجلس، اساتید حوزه و دانشگاه و دلسوزان جامعه مورد تأکید قرار گرفته است، چرا شاهد اقدام و ورود دولت و دستگاه‌های مسئول در حوزه‌های مختلف فرهنگی برای اصلاح این روند مخرب نیستیم؟!

قدیری